

رقابت پذیری اقتصادی ملی، الحاق به سازمان جهانی تجارت و سند چشم‌انداز

۱۴۰۴

مسعود کمالی اردکانی

(عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

mkamali1@yahoo.com

رقابت‌پذیری / سازمان جهانی تجارت / اقتصاد ملی

مقدمه

در مطلع اصلی سند چشم‌انداز بیست ساله ایران در افق ۱۴۰۴ چنین آمده است: «ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». بدین ترتیب ایران در ۱۴۰۴ پنج ویژگی مهم خواهد داشت: توسعه یافته، جایگاه اول منطقه‌ای، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و بالاخره دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان پیرامون.

تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، ضرورتاً مستلزم تعامل سازنده و فعال با کشورهای منطقه است. لازمه این تعامل فعال نیز برقراری روابط اقتصادی و تجاری نهادینه با کشورهای منطقه و لزوم تبعیت از الگوها، قواعد و

رفتارهای تجاری مورد توافق و شناخته شده است. امروزه قریب به اتفاق کشورهای منطقه یا عضو ترتیبات منطقه‌ای، فرا منطقه‌ای و یا عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند و یا در حال طی کردن فرآیند الحاق به آن هستند. این کشورها در روابط دو جانبه و منطقه‌ای خود متعهد هستند که از الگوها و قواعد اقتصادی و تجاری سازمان جهانی تجارت تبعیت نمایند و نمی‌توانند با کشورهای خارج از این سازمان وارد توافقات اقتصادی و تجاری مغایر با تعهداتشان در سازمان جهانی تجارت گردند. این ضرورت راهبردی، جمهوری اسلامی ایران را حتی در برقراری روابط دو جانبه و منطقه‌ای اقتصادی و تجاری، ملزم می‌گرداند که الگوهای تجاری خود را با قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت منطبق گرداند.

با این وجود نگاه ما به موضوع الحاق نگاهی ابزاری است و هدف اصلی، رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌باشد. در این رویکرد آزادسازی تجاری از طریق عضویت در سازمان جهانی تجارت به موازات انجام اصلاحات اقتصادی و فراهم آوردن زمینه‌های رقابتی

شدن صنایع داخلی مورد توجه است. از این رو عضویت در سازمان جهانی تجارت برای تحقق دو هدف عمده و راهبردی یعنی افزایش مستمر رفاه کل جامعه و ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی مهم‌ترین چالش اقتصاد خارجی ایران در سالهای پیش رو خواهد بود. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی سازمان جهانی تجارت، مهم‌ترین کارکردهای اصول نظام تجاری چند جانبه در اقتصاد ملی کشورها از منظر کمک به رقابت‌پذیری اقتصاد ملی بررسی شده سپس با نگاهی به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز، سیاستهای کلی نظام و قانون برنامه چهارم، ارتباط و تعامل آن را با موضوع عضویت در سازمان جهانی تجارت تحلیل کرده و در نهایت به ارزیابی وضع موجود و الزامات ضروری جهت کسب آمادگی‌های لازم برای عضویت هدفمند و موفقیت آمیز در این سازمان خواهیم پرداخت.

۱. اصول اساسی حاکم بر نظام چند جانبه تجاری

تبیین اصول حاکم بر سازمان جهانی تجارت بدون مرور اصول و اهداف سلف آن یعنی موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) دشوار است و از این رو آگاهی از اصول اساسی گات و ضوابط مربوط به آن بسیار مهم می‌باشد. در زیر به برخی از مهم‌ترین اصول این موافقت‌نامه اشاره خواهد شد.

۱-۱. اصول گات

اصول این موافقت‌نامه عمومی به طور کلی بر چهار رکن مهم استوار است که در واقع جوهره اصلی موافقت‌نامه رابرای آزادسازی‌های تجاری فراهم می‌سازد. این چهار رکن مهم عبارتند از: الف) حمایت از صنعت داخلی فقط از طریق تعرفه‌ها (ب) ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های مقداری (کمی) ج) تعمیم رفتار دولت کامله الوداد [۱] به کلیه اعضا د) رعایت رفتار ملی [۲] (عدم تبعیض)

الف) حمایت از صنعت داخلی فقط از طریق تعرفه‌ها: گات در عین حال که اذعان می‌دارد برای کشورهای عضو مهم است که از سیاست‌های تجاری باز و آزاد پیروی نمایند، به آن‌ها اجازه می‌دهد که از تولید داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت کنند مشروط بر اینکه این قبیل اقدامات آن‌ها از طریق تعرفه‌ها باشد و در سطوح پایین حفظ شود، همچنین خواستار کاهش تدریجی تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری از طریق مذاکرات چند جانبه است. تعرفه‌هایی که از

طریق مذاکرات چند جانبه و تبادل امتیازات و تعهدات کاهش می‌یابند باید در سطح نرخ‌های تعیین شده تثبیت شده و کشورها اجازه ندارند مجدداً آن‌ها را افزایش دهند. در این میان استثنائاتی نیز وجود دارد که در شرایط خاصی از قبیل کسری تراز پرداخت‌ها و یا در صورت ورود آسیب و لطمه جدی به صنعت داخلی می‌توان موقتاً نرخ‌های تعرفه را افزایش داد و یا در مقابله با کالاهای برخوردار از یارانه و یا واردات دامپینگ شده می‌توان عوارض جبرانی وضع نمود.

همچنین بر اساس ماده ۲۸ گات، به اعضای سازمان جهانی تجارت اجازه داده شده است امتیازات تعرفه‌ای مذکور در جداول خود را تغییر دهند یا حتی پس بگیرند. البته چنین اقدامی را تنها می‌توان پس از مذاکره و توافق با اعضای که امتیاز مورد نظر در مراحل اولیه نتیجه مذاکره با آن‌هاست و با هر عضو دیگری که به عنوان عرضه‌کننده اصلی کالای موضوع امتیاز، منافی در خصوص آن دارد، انجام داد. عضوی که می‌خواهد امتیازی را اصلاح کند علاوه بر این، باید با هر عضو دیگری هم که در امتیاز مزبور «منافع اساسی» دارد، مشورت کند.

ب) ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های مقداری (کمی) و سایر موانع تجاری: به موجب ماده ۱۱ گات استفاده از محدودیت‌های مقداری و کمی در برابر واردات و صادرات ممنوع بوده و اعضا اجازه ندارند با استفاده از این ابزارها نظیر سهمیه بندی، ممنوعیت‌های ورود و یا سایر تدابیر اداری و تشریفاتی مانع ورود کالا شده و یا آن را محدود سازند. به عبارت دیگر هرگونه محدودیتی برای ورود کالا صرفاً باید از طریق اعمال نرخ‌های تعرفه گمرکی صورت گرفته تا میزان حمایت از یک کالا مشخص و معین باشد. همچنین به غیر از تعرفه‌ها کشورها اجازه ندارند که هیچ‌گونه عوارض و هزینه‌های گمرکی را بر واردات و صادرات کالاها با هدف حمایت از محصول مشابه داخلی و ایجاد مزیت رقابتی برای آن‌ها وضع کنند. البته در این خصوص استثنائات متعددی وجود دارد از جمله در مواقع بحرانی که کشورها با کمبود شدید مواد غذایی مواجه‌اند و یا در مورد کسری شدید تراز پرداخت‌های خارجی اعضا می‌توانند تحت شرایط خاصی اقدامات محدود کننده‌ای را برای مدت محدودی به عمل آورند. همچنین بخش کشاورزی و منسوجات نیز یکی از حوزه‌هایی است که محدودیت‌های کمی و مقداری نظیر سهمیه بندی اجازه داده شده لیکن مذاکرات برای برچیدن این قبیل اقدامات باید ادامه یابد.

ج) تعمیم رفتار دولت کامله الوداد به تمامی اعضا: به موجب

بوده و کلیه مقررات و رویه‌های اداری موثر بر خرید و فروش محصولات در بازار داخلی را شامل می‌شود.

۱-۲. جایگاه سازمان جهانی تجارت در اقتصاد جهانی و تأثیرات آن بر اقتصاد ملی

سازمان جهانی تجارت یکی از سازمان‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود. این سازمان به‌عنوان مسئول تدوین رژیم و قواعد تجاری در سطح جهان از اول ژانویه ۱۹۹۵ و به‌عنوان جانشین گات ایجاد و در حال حاضر ۱۵۳ کشور در آن عضویت دارند و ۳۰ کشور دیگر نیز در حال انجام مذاکرات الحاق برای ورود به آن می‌باشند.

موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در برگیرنده اسناد حقوقی مجزایی است که موضوعات متعددی از کشاورزی گرفته تا منسوجات، تجارت خدمات، خریدهای دولتی، قواعد مبدأ، صدور مجوزهای ورود، ارزشگذاری گمرکی، یارانه‌ها، موانع فنی تجارت، سرمایه‌گذاری، مالکیت فکری و غیره را در بر می‌گیرد. موضوعات و حوزه‌های جدیدی شامل شفافیت در خریدهای دولتی، استانداردهای کار، سیاست رقابتی، تسهیل تجاری و تجارت و محیط‌زیست نیز در دستور کار مذاکرات دور جدید (دور دوخه) قرار دارند و بدون شک با توافق در تمام یا برخی از حوزه‌های فوق حیطه قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت بازم تسری بیشتری پیدا خواهد کرد.

با عضویت کشورها در سازمان جهانی تجارت و به‌کارگیری قواعد و اصول نظام تجاری چند جانبه، اقتصاد ملی کشورها از ویژگی‌هایی برخوردار می‌گردد که مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر اقتصاد ملی پس از الحاق را می‌توان به‌طور کلی در موارد زیر جستجو کرد:

- حذف تبعیض علیه صادرات ایران و دسترسی آسانتر به بازارهای هدف
- تبدیل تعرفه گمرکی به عمده‌ترین ابزار حمایتی
- عدم امکان اعمال ممنوعیت وارداتی
- ضابطه‌مندی استانداردهای کالا
- عدم امکان تغییر پی در پی مقررات و تعرفه‌ها
- الزام به حمایت کامل از حقوق مالکیت فکری
- امکان استفاده از حفاظت‌ها و اقدامات ضد قیمت شکنی
- تسهیل ورود خدمات خارجی مثل بیمه، بانکداری و حمل و

ماده (۱) گات کلیه امتیازاتی که یک عضو به عضو دیگری در خصوص دسترسی به بازار و همچنین کاهش تعرفه‌ای و غیره در خصوص یک محصول اعطاء می‌کند باید بدون قید و شرط به محصول مشابه تمامی اعضا تسری یابد. به عبارت دیگر اعضا در اعطای امتیازات به یکدیگر نباید هیچ‌گونه تبعیضی را بین کشورها قائل شوند و هر امتیازی به یک عضو به سایر اعضا نیز تعمیم یابد. این اصل که از آن تحت عنوان رفتار دولت کامله الوداد یاد می‌شود، در واقع عمده‌ترین وسیله‌ای است که سبب می‌شود توافقات و مذاکرات دوجانبه بین اعضا در خصوص آزادسازی‌های تجاری، خصلتی چندجانبه یافته و موجب بسط و گسترش مضاعف آزادسازی‌های تجاری شود. به عبارت دیگر این اصل متضمن رعایت اصل عدم تبعیض در تمامی موضوعات مرتبط با تجارت خارجی کالاها بین کشورهای عضو بوده و اعضا تعهد می‌کنند که رفتار نامساعدتری نسبت به یک کشور در قبال کشورهای دیگر نداشته باشند. البته استثنائاتی در خصوص کاربرد این اصل نیز وجود دارد که مهم‌ترین استثنای آن مربوط به اجازه رفتار ترجیحی کشورها با یکدیگر در قالب اتحادیه‌های گمرکی و ترتیبات تجاری منطقه‌ای طبق ماده ۲۴ گات می‌باشد.

د) رعایت اصل رفتار ملی: اصل رفتار ملی در حقیقت مکمل اصل رفتار دولت کامله الوداد بوده که ریشه هر دو اصل به رعایت اصل اساسی عدم تبعیض برمی‌گردد. به موجب اصل رفتار دولت کامله الوداد کشورها در واقع مجاز نیستند بین طرف‌های خارجی خود و امتیازات اعطا شده به محصولات آنها تبعیضی قائل شوند و به موجب اصل رفتار ملی که در ماده ۳ گات آمده است اعضا نباید هیچ‌گونه رفتار تبعیضی بین محصول وارداتی با محصول مشابه داخلی به عمل آورند. به عبارت دیگر بعد از آنکه محصول خارجی با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد قلمرو عضوی می‌شود باید از هر نظر از رفتاری مشابه با رفتار محصول مشابه داخلی برخوردار گردد و هیچ عضوی اجازه ندارد حقوق و عوارض و یا مالیات‌های تبعیض‌آمیز دیگری و یا محدودیت‌های تجاری و رویه‌های اداری سختگیرانه‌تری را در مورد کالاهای وارداتی نسبت به محصول مشابه داخلی وضع و یا اعمال کند. اصل رفتار ملی کشورهای عضو را وادار می‌کند تا با محصولات وارداتی رفتاری کاملاً همسان با کالاهای ساخت داخل و با منشأ ملی داشته باشند. این رفتار اعم از نرخ‌های تعرفه و حقوق و عوارض گمرکی و یا مالیات‌های داخلی

• کاهش (یا احتمالاً حذف) حاشیه پارانهای سوخت و یارانهای مستقیم تولیدی

بدون شک این تحولات، اقتصاد ملی را با فرصت‌ها و تهدیداتی مواجه خواهد ساخت که از آن جمله می‌توان به تشدید رقابت و اضمحلال بنگاه‌ها و به حاشیه رانده شدن در صحنه اقتصاد جهانی، افزایش بیکاری، تأثیرپذیری اقتصاد ملی از نوسانات و بحران‌های جهانی و تسلط شرکت‌های فراملیتی بر اقتصاد کشور به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدها و تشدید رقابت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها، تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل در انتقال فناوری و مشارکت در تدوین قواعد و مقررات آتی تجارت جهانی به‌عنوان مهم‌ترین فرصت‌های پذیرش الزامات سازمان جهانی تجارت نام برد. اما نحوه بهره‌گیری بهتر و بیشتر از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های این پدیده، قبل از هر چیز به نحوه و کیفیت تعامل کشورها با اقتصاد جهانی مربوط می‌شود. به‌عبارت دیگر با صرف عضویت در سازمان جهانی تجارت بدون آنکه الزامات این حضور در نظر گرفته شده باشد و آمادگی‌های لازم برای این منظور کسب شده باشد نه تنها نمی‌توان انتظار تحول مثبت چندانی را در اقتصاد ملی داشت، بلکه تبعات و پیامدهای منفی و بالقوه آن قبل از هر چیز به فعلیت خواهد رسید و گریبانگیر اقتصاد ملی کشور خواهد شد.

۲. بررسی اهداف سند چشم‌انداز و برنامه چهارم از منظر تعامل با اقتصاد جهانی

تعامل با اقتصاد جهانی در سه سند «چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، «سیاست‌های کلی نظام ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری» و «قانون برنامه چهارم توسعه» موضوعی است که در هر یک از سه سند فوق‌الذکر رگه‌هایی از آن به چشم می‌خورد و هر کدام از آن‌ها به اقتضا و فراخور خود بدرستی به این مطلب پرداخته‌اند. ذیلاً فرازها و یا بندهایی که در سه سند مذکور این موضوع را به‌طور تلویحی و یا به تصریح مورد اشاره و تأکید قرار داده‌اند مورد بررسی قرار داده و اهمیت آن را از منظر تأمین و چگونگی تحقق بخشی اهداف سند چشم‌انداز تبیین می‌کنیم.

۱-۲. سند چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴

راهبردی‌ترین نکته‌ای که در خصوص الحاق جمهوری اسلامی ایران یا هر کشور دیگری به سازمان جهانی تجارت باید مورد توجه قرار گیرد، چگونگی حضور در نظام اقتصادی بین‌الملل می‌باشد. واقعیت این است که حضور فعال در نظام تجارت جهانی یک مسیر دو طرفه است که هم آمادگی برای انتقال توانایی‌های خودمان به این نظام و هم آمادگی برای بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی را می‌طلبد.

از اهداف اصلی سند چشم‌انداز بیست‌ساله، دستیابی جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل می‌باشد. تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، ضرورتاً مستلزم تعامل سازنده و فعال با کشورهای منطقه است. لازمه این تعامل فعال نیز برقراری روابط اقتصادی و تجاری نهادینه با کشورهای منطقه و لزوم تبعیت از الگوها، قواعد و رفتارهای تجاری مورد توافق و شناخته شده است. سازمان جهانی تجارت و مجموعه موافقت‌نامه‌ها و قواعد آن ابزارها و امکاناتی هستند برای حضور فعال در اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی در جهت تحقق راهبرد توسعه صادرات که باید در کنار مجموعه الزامات توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق راهبرد توسعه صادرات که از اصلی‌ترین راهبردهای توسعه برای تعامل مؤثر و فعال با اقتصاد جهانی به شمار می‌رود، ابتدا باید رابطه توسعه‌مند با تجارت بین‌الملل برقرار کنیم و تدریجاً الگوهای رفتاری اقتصادی و تجاری خود را متناسب با الزامات و اقتضائات این نظام شکل دهیم و پس از کسب آمادگی‌های لازم این الگوها را در چارچوب قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت قاعده‌مند نماییم و آنگاه خود را برای تضمین استمرار این الگوهای رفتاری متعهد کنیم.

چگونگی حضور در نظام تجارت جهانی و پذیرش تعهدات مربوطه در سازمان جهانی تجارت و انطباق آن با الزامات توسعه‌ای کشور، موضوعی است که طی مذاکرات طولانی و پیچیده الحاق روشن خواهد شد. طولانی بودن مذاکرات الحاق عمدتاً به‌خاطر لزوم کسب آمادگی‌های ضروری برای انطباق تدریجی الزامات ملی توسعه‌ای کشور با تعهدات بین‌المللی است. این مذاکرات فرصت بسیار مناسبی است برای حل این مشکل راهبردی که چگونه می‌توان ضمن حفظ منافع ملی، استقلال سیاسی و هویت فرهنگی

کشور، از امکانات اقتصاد جهانی در راستای تحقق برنامه‌های توسعه‌ای کشور و بویژه استراتژی توسعه صادرات در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله بهره‌برداری نمود.

۲-۲. سیاست‌های کلی نظام

همان‌گونه که اشاره شد افق بلند مدت تعیین شده برای کشور با تعریفی که از آن شده و مختصاتی که از ایران ۱۴۰۴ داده شده است با مسئله عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت پیوندی ناگزیر دارد. بدیهی است این ارتباط هنگامی که از سطح افق بلندمدت به سطوح پایین‌تر و به سمت تعیین سیاست‌های کلی در راستای دستیابی به افق ترسیم شده حرکت می‌کنیم از تعیین و عینیت بیشتری برخوردار می‌شود و می‌بایستی در جهت تحقق اهداف و عملیاتی کردن آن‌ها به تعیین دقیق و تصریح اهداف کیفی و راهبردهای اساسی و جهت‌گیری حاکم بر برنامه‌های توسعه پرداخت که این مهم در قالب سند فوق‌الذکر صورت گرفته است. اگر چه این ارتباط کم و بیش با بسیاری از بندهای سند فوق‌الذکر وجود دارد اما از بین ۱۹ بند مربوط به سیاست‌های کلی نظام در امور اقتصادی به‌طور مشخص بندهای شماره ۳۴، ۳۵، ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷ بیشترین ارتباط موضوعی را با مسئله عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت می‌تواند داشته باشد. مهم‌ترین اهداف کیفی و راهبردهای تعیین شده در بندهای فوق‌الذکر به شرح زیر است:

۱- تحقق رشد اقتصادی پیوسته، با ثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز،

۲- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری،

۳- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی،

۴- ایجاد سازوکارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیر نفتی،

۵- هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که کشور در آن دارای مزیت نسبی است،

۶- تثبیت فضای اطمینان بخش و با ثبات برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران با اتکاء به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید،

۷- حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن،

۸- ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بخش خدمات

بانکی و بیمه‌ای کشور با تأکید بر کارآیی، شفافیت، سلامت و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین،

۹- توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی.

بدیهی است الحاق هدفمند ایران به سازمان جهانی تجارت و عضویت در این سازمان می‌تواند شرایط اولیه و لازم برای نیل به اهداف فوق‌الذکر را به بهترین وجه فراهم و حصول به آن را تسهیل کند. با تامل در اهداف فوق‌الذکر می‌توان دریافت که اصلی‌ترین راهبرد حاکم بر سیاست‌های اقتصادی کشور طی سال‌های آتی بر محور توسعه صادرات و حرکت در مسیر الگوی رقابت‌پذیری و اصلاح سیاست‌های داخلی متناسب با این هدف قرار گرفته است. رقابت و رقابت‌پذیری و دسترسی آزادانه به بازارهای جهانی و کاهش موانع تجاری مهم‌ترین رکن و اصلی‌ترین کارکرد سازمان جهانی تجارت بوده و کشورهایی که به عضویت این سازمان در می‌آیند لاجرم بایستی موارد فوق را در برنامه‌های اقتصادی و تجاری خود لحاظ و به آن توجه نمایند. تجربه کشورهای موفق در فرآیند جهانی شدن و ادغام هدفمند در اقتصاد جهانی صرفاً از این زاویه قابل تحلیل است. بعبارت دیگر برای کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی و برخی دیگر از کشورهای حوزه شرق آسیا که الگوی توسعه خود را بر محور توسعه صادرات قرار داده‌اند، عضویت در این سازمان فرصت‌های بی‌بدیلی را برای آن‌ها فراهم ساخته است که در غیاب آن دستیابی به چنین درجه‌ای از موفقیت بعید به نظر می‌رسید. ایران نیز با چنین اولویت‌هایی باید موضوع الحاق خود به سازمان جهانی تجارت را از این زاویه مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و بویژه تجارب سایر کشورها را در این زمینه مد نظر قرار دهد.

۲-۳. برنامه چهارم توسعه

قانون برنامه چهارم به لحاظ اینکه سند فرودست سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام است بالطبع از درجه تعیین بالاتر و مصادیق عینی و اهداف کمی دقیق و مشخص بیشتری برخوردار است. مصادیق مندرج در بندهای ز، ه و ل ماده ۳۳ همچنین بند الف ماده ۳۷ و بند الف ماده ۳۹ و ماده ۴۱ برنامه چهارم توسعه، ارتباط روشنی با زمینه‌سازی الحاق به سازمان جهانی تجارت دارد. همچنین از مجموع دوازده مضمون جداگانه در نظر گرفته شده در قانون برنامه

چهارم توسعه، دو مضمون «بستر سازی برای رشد سریع اقتصادی» و «نوسازی دولت و ارتقای اثر بخشی حاکمیت» ارتباط غیر مستقیم با بحث الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت داشته و دو مضمون دیگر شامل «تعامل فعال با اقتصاد جهانی» و «رقابت پذیری اقتصاد» دارای ارتباطی مستقیم و صریح با موضوع فوق الذکر است و حتی در موارد متعددی موضوع زمینه سازی های لازم در بخش های مختلف را برای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت به عنوان یک بند قانونی در ذیل برخی از مواد گنجانده است تا دولت را در راستای تحقق اهداف برنامه و اسناد فرادست آن مکلف به پیگیری مستمر موضوع و اجرای تعهدات آن سازد. این موضوعات عبارتند از روان سازی جریان تجارت و توسعه صادرات کالاها و خدمات، برقراری تعرفه های ترجیحی، تکمیل مبانی قانونی و تجهیز مبادی ورودی برای ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی، تجمیع کلیه حقوق و عوارض دریافتی، افزایش توانمندی اقتصاد کشور و آماده سازی بنگاه های اقتصادی، انعقاد موافقت نامه های تجاری و تجارت آزاد با کشورها، برقراری هماهنگی میان سیاست های مالی و پولی با سیاست های استراتژیک تجاری، ایجاد نظم کارآمد و تنظیم تعرفه ها در جهت رقابت پذیری کشور و حمایت منطقی از تولید داخلی، شفاف سازی مقررات و کاهش تعدد رویه های ورود کالا، حذف کلیه موانع غیر تعرفه ای و غیر فنی و اعمال نرخ های معادل تعرفه ای، کاهش دامنه و تعداد طبقات تعرفه ای با رعایت نرخ حمایت مؤثر تعرفه ای از تولیدات داخلی، اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات مربوط به واردات برای ایجاد شفافیت در نظام تجاری، بازنگری و اصلاح قانون مقررات صادرات و واردات و قانون امور گمرکی، حذف تبعیض های اقتصادی و ایجاد فرصت های برابر برای کلیه اشخاص، هماهنگ سازی نظام های قانونی و حقوقی با کنوانسیون های بین المللی، حذف و یا کنترل انحصارات موجود دولتی و تسهیل رقابت، شناسایی مزیت های رقابتی و نسبی و بهره گیری مطلوب از آنها و همچنین ایجاد ظرفیت های قانونی و حقوقی جدید از قبیل تدابیر حفاظتی تجاری اعم از اقدامات جبرانی و ضد دامپینگ و اقدامات مؤثر حفاظتی.

همان گونه که ملاحظه می شود هر چه از اسناد فرادست به سوی اسناد فرودست حرکت می کنیم سیاست های اتخاذ شده قرابت و نزدیکی بیشتری با قوانین، مقررات و فضای حاکم بر سازمان جهانی تجارت پیدا می کنند. این اقدامات به منظور تحقق اهداف بلندمدت

تعیین شده در اسناد فرادست قبلی بالضروره و بدرستی شناسایی و تعریف شدند و با موضوع الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در راستای برقراری تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و دستیابی به رشد و توسعه مستمر ارتباط تنگاتنگی دارند. تقریباً کلیه موارد فوق به نوعی الزامات حضور در این سازمان است و هر کشور برای عضویت در این نهاد لاجرم بایستی سیاست های فوق الذکر را اعمال نماید. بنابراین عضویت در سازمان جهانی تجارت به عنوان نماد حضور فعال در عرصه اقتصاد بین الملل و تصحیح سیاست های داخلی و حرکت در بستر رقابت پذیری برای حضور در چنین مجمعی به منظور بهره گیری از فرصت های نهفته در آن و در راستای تحقق بخشی هر چه بیشتر به اهداف برنامه به شکل نانوخته ای در سیاست های برنامه چهارم توسعه وجود دارد.

برای کشور ما با داشتن چنین اهداف و سیاست هایی که در سه سند مذکور ترسیم شده و توسعه صادرات در صدر آن قرار دارد و به نوعی شرط موفقیت و دستیابی به سایر اهداف دیگر نیز محسوب می شود، الحاق هدفمند و هوشمندانه و ادغام تدریجی در اقتصاد جهانی به طور بالقوه می تواند فرصت های مناسبی را برای تحقق اهداف فوق الذکر فراهم سازد.

۳. کیفیت عضویت در سازمان جهانی تجارت، رقابت پذیری و تعامل با اقتصاد جهانی

بدون شک ادامه روند کنونی به علت فقدان تعیین کننده های درونزای رشد، اقتصاد ایران را در آینده با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت و بدون شک درهم آمیزی و پیوند با اقتصاد جهانی از دیدگاه دسترسی به بازارهای گسترده و همچنین فناوری پیشرفته، گسترش امکانات مبادلاتی کالاها و جریان سرمایه خصوصی خارجی، راه برون رفت از این وضعیت می باشد چرا که از این طریق فرصت های جدیدی ایجاد می گردد و در مجموع فرایند رشد اقتصادی تسهیل و تسریع خواهد شد.

امروزه، الگوی مسلط و مورد توافق همگان در برنامه های اقتصادی، الگوی رقابت و رقابت پذیری است. چرا که در شرایط جدید و با تغییر دیدگاه ها و فرایندهای بین المللی در عصر جهانی شدن اقتصاد، امروزه دیگر مزیت های نسبی صرف و یا توانمندی های طبیعی کشورها نمی تواند معیار تقسیم کار بین المللی باشد. چنانچه یک اقتصاد در چارچوب مرزهای خود

به دنبال رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه باشد در واقع فرصت‌هایی که در صحنه بین‌المللی وجود دارد را مورد توجه قرار نداده و از اینرو نسبت به دیگر رقبایی که خلاف این استراتژی را اتخاذ نموده‌اند از فرصت‌های بالفعل کمتری برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر، ورود به عرصه رقابتی بین‌المللی و ادغام در اقتصاد جهانی مستلزم داشتن توان رقابتی و رقابت‌پذیری هم در سطح کلان و هم در سطح خرد و بنگاه می‌باشد. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌گردد، از یک سو ورود به عرصه رقابت بین‌المللی برای بهره‌مند شدن از فرصت‌هایی که در آن نهفته است، و از سوی دیگر برخوردار بودن از توان رقابتی، هر دو برای اقتصادهای امروزی لازم و ضروری است.

بحث رقابت‌پذیری از یک سو به شرایط کلان اقتصادی، سیاسی، قانونی و اجتماعی که زیربنای یک اقتصاد موفق را تشکیل می‌دهند باز می‌گردد و از سوی دیگر با فضای کسب و کار خرد اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. اصلاحات کلان اقتصادی ثمره‌چندانی نخواهد داشت مگر آنکه پیشرفت مناسبی در سطح خرد اقتصادی اتفاق بیفتد. وجود نظام توسعه سرمایه انسانی، سیاست تجاری، سیاست فناوری و سیاست صنعتی از جمله عواملی است که می‌تواند به ایجاد فضای رقابتی در هر کشور کمک نماید.

از آنجا که عضویت در سازمان جهانی تجارت همه شئون اقتصادی کشور را (اگر چه از طریق مجرای تجارت اما به شکل همه جانبه) تحت تأثیر قرار می‌دهد عضویت در این سازمان به معنای پذیرفتن الگوی رقابت در فعالیت‌های اقتصادی است. الحاق به این سازمان به دو گونه می‌تواند بر عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری تأثیر بگذارد، و از این رهگذر منافع و احیاناً مضار خود را بر اقتصاد ملی نشان دهد.

اول، تأثیرات مستقیمی است که به لحاظ پذیرش قوانین و مقررات مختلف این سازمان در قالب موافقت‌نامه‌های گوناگون در اقتصاد ملی ظاهر می‌شود. به‌طور مثال پس از عضویت در این سازمان، پرداخت و اعطای یارانه‌ها (البته با شرایط و استثنائاتی) مقدور نخواهد بود و از این جهت بر اقتصاد تأثیر خواهد گذاشت.

دوم، تأثیرات غیر مستقیم است. بدین معنی که به جهت افزایش فشارهای رقابتی (عمدتاً فشار رقابت خارجی) پس از

الحاق به سازمان جهانی تجارت، بنگاه‌ها به‌طور خود کار و تحت الزامات محیطی، اصلاحات مربوطه را در بنگاه‌های خود انجام می‌دهند و این اصلاحات می‌تواند بر توان رقابتی آنها تأثیر مثبت برجا گذارد. در زیر تأثیرات فوق مورد بررسی بیشتری قرار می‌گیرند.

- با توجه به اینکه کاهش‌های متقابل موانع تجاری اعم از تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در جریان الحاق به سازمان جهانی تجارت اتفاق می‌افتد، از اینرو گستره بازارهای بین‌المللی برای تولیدکنندگان داخلی دست کم بصورت بالقوه، وسیع‌تر می‌گردد.

- در صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت امکان تحرک بیشتری برای سرمایه بین‌المللی و امکان جذب آن در اقتصاد ملی - به دلیل وجود بازدهی‌های بسیار جذاب سرمایه‌گذاری در ایران - به وجود می‌آید و سهولت دسترسی به سرمایه فراهم می‌گردد.

- به دلیل رعایت اصل رفتار ملی، امکان اعمال تبعیض میان بنگاه‌ها کاهش پیدا می‌کند. در ایران به دلیل بزرگ بودن اندازه دولت، چنانچه بنگاهی می‌توانست از تبعیض‌هایی به نفع خود در تصمیم‌گیری‌های دولتی بهره‌برد از حاشیه امنیتی بالایی برخوردار می‌شد. در چنین شرایطی بنگاه‌ها حیات خود را مدیون شرایط و مناسبات خاص موجود هستند و بالتبع توان ورود به صحنه‌های رقابت بین‌المللی را نخواهند داشت. با الحاق به سازمان جهانی تجارت و از بین رفتن شرایط غیراصولی پیشین، اتکای بنگاه‌ها به توانمندی‌های خود خواهد بود.

- با الحاق به این سازمان، از میزان یارانه‌های محل تجارت از سوی دولت کاسته خواهد شد. مطابق موافقت‌نامه یارانه‌ها، همه یارانه‌های صادراتی باید قطع شود و یارانه‌های تولیدی نیز با احراز شرایطی ممنوع می‌باشد.

- یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در راستای الحاق به سازمان جهانی تجارت باید صورت پذیرد، کاهش تعرفه‌هاست. کاهش تعرفه‌ها باعث افزایش فشار رقابت خارجی شده و از میزان حمایت‌های مرزی می‌کاهد و

تولید کننده داخلی را در معرض رقابت خارجی قرار می دهد. بدین ترتیب تولیدات داخلی از کیفیت بهتری برخوردار خواهد بود و رفاه مصرف کننده نیز افزایش می یابد.

- همچنین از دیگر اقدامات در جریان الحاق، برداشتن موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن‌ها به موانع تعرفه‌ای (و کاهش تعرفه‌ها در گام بعدی) است. در اقتصادهای نسبتاً بسته‌ای نظیر ایران موانع غیر تعرفه‌ای منجر به ایجاد رانت اقتصادی می‌گردند که دقیقاً متناقض با رقابت است. بنابر این با این اقدام نیز فضای رقابتی تشدید می‌گردد.
- حمایت از حقوق مالکیت فکری نیز پس از الحاق در قالب موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در خواهد آمد. در اثر عضویت در سازمان جهانی تجارت پذیرش کنوانسیون بین‌المللی برن مربوط به کپی‌رایت محتمل الوقوع است. با پذیرش این کنوانسیون ایران نیز همچون دیگر کشورهای عضو ملزم به رعایت حقوق بین‌المللی حمایت از آثار ادبی و هنری خواهد شد و بدون پرداخت هزینه‌هایی که برای این حقوق مقرر شده - که البته متناسب با سطح توسعه کشورها تفاوت می‌کند- نمی‌تواند نسبت به چاپ و ترجمه بدون مجوز آثار مؤلفین خارجی اقدام نماید. این امر اگر چه در کوتاه مدت می‌تواند هزینه‌هایی را به ایران تحمیل کند، اما در عین حال موجب حمایت بیشتر از حقوق مخترعین و مؤلفین در داخل کشور خواهد شد که خود زمینه‌های حقوقی حمایت از تحقیقات را فراهم می‌آورد. بدون شک رشد تحقیقات زمینه ارتقای رقابت پذیری است. با این وجود بر طبق موافقت‌نامه حقوق مالکیت فکری، استفاده از اطلاعات مربوط به ثبت اختراعات و اکتشافات در بسیاری از موارد برای دانشگاه‌ها و دیگر مجامع علمی که کاربردی غیرتجاری داشته باشند آزاد است که این امر می‌تواند دسترسی به علوم و تکنولوژی در محیط‌های علمی کشور را تسهیل نماید.

به نظر می‌رسد با ایجاد تحولات فوق که در واقع محیط قانونی و مقررات کشور را شفاف و قابل پیش‌بینی‌تر می‌نماید در

نهایت فضای مناسب و رقابتی برای حضور و ورود سرمایه‌های خارجی و امکان بهره‌گیری از فرصت‌های جدید تجاری ایجاد خواهد شد که بدون تعامل با اقتصاد جهانی میسر نخواهد بود. عملکرد ژاپن پس از جنگ جهانی دوم که به صورت نظام‌مند از طریق سیاست‌های تجاری حمایت‌گرا، خلق فناوری با بودجه دولتی و تقویت شیوه‌های راهبری بنگاه‌ها در اقتصاد مداخله کردو از این طریق راه را برای ابراز وجود شرکت‌های رقابت‌پذیر بین‌المللی در بسیاری بخش‌ها هموار ساخت، همچنین پیگیری دقیق اصلاحات داخلی از جمله اصلاحات نهادی و گشایش سرمایه‌گذاری خارجی قبل از آزادسازی تجاری در چین، نمونه بارز اقدامات داخلی کشورها در ایجاد محیط رقابتی است.

البته باید توجه داشت که سازمان‌های بین‌المللی و من جمله سازمان جهانی تجارت، تمهیداتی هستند برای تسهیل مناسبات کشورها در حوزه‌های مختلف و دربرگیرنده اصول و قواعدی می‌باشند برای تنظیم روابط میان ممالک جهان و جلوگیری از تعارضاتی که در اثر گسترش این روابط می‌تواند بروز کند. این سازمان‌ها در کنار دیگر امکانات بین‌المللی، ابزارهایی هستند برای تکمیل مجموعه تدابیر و اقداماتی که کشورها برای حضور در نظام بین‌المللی دنبال می‌کنند. در این راستا در فرایند الحاق بخش‌های داخلی نیز بایستی سعی در کسب آمادگی‌های لازم را بنمایند. در زیر سعی خواهد شد تا به برخی از این اقدامات اشاره شود.

۴. مسئولیت دولت و بخش خصوصی در جریان الحاق به سازمان جهانی تجارت

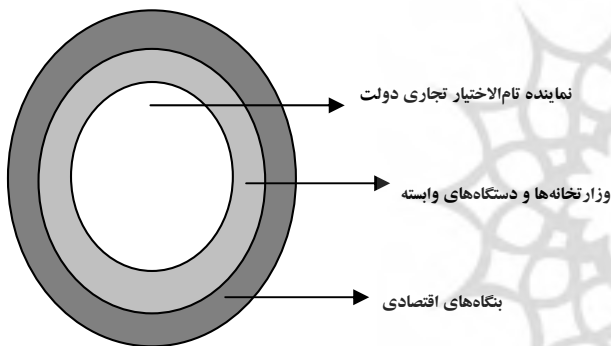
نظر به اینکه الحاق به سازمان جهانی تجارت فی‌نفسه هدف نبوده و صرفاً وسیله‌ای است در جهت تعامل فعال با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی در راستای رشد و توسعه اقتصادی کشور و قطعاً چنین تعاملی مستلزم داشتن آمادگی‌های اقتصادی و بعضاً غیر اقتصادی در زمینه‌ها و بخش‌های مختلف تولیدی، تجاری و خدماتی و نظایر آن می‌باشد، بنابراین جهت استفاده از این ابزار، کسب آمادگی‌های وسیع در عرصه اقتصادی از طریق توانمندسازی و ارتقای قابلیت رقابت فعالیت‌های تولیدی و از جمله افزایش توانمندی بخش‌های تولیدی ضعیف و غیر رقابتی موجود، تقویت مبانی علمی تولید و تجارت، افزایش سطح کیفیت کالاها و خدمات،

ارتقای توان مدیریتی واحدهای تولیدی و ارتقای سطح بهره‌وری و نظایر آن ضرورت تام دارد. بر این اساس انتظار می‌رود در فرصت زمانی پیش و حین الحاق نهایت بهره‌برداری از امکانات بالفعل و بالقوه به منظور تقویت توانمندی اقتصاد ملی و دستیابی به جایگاه درخور در اقتصاد جهانی صورت گیرد.

پیوستن به سازمان جهانی تجارت و برخورداری از مزایا و کاستن از اثرات منفی آن موضوعی است که نه تنها مستلزم همکاری وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های داخلی بلکه نیازمند انجام اقدامات عدیده‌ای در حوزه واقعی اقتصاد و به دست بخش خصوصی و کلیه فعالین اقتصادی است. بر این مبنای زمینه‌سازی لازم در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط و توانمندسازی‌های مورد نیاز در سطح فعالین اقتصادی کشور شرط لازم الحاق اصولی به سازمان جهانی تجارت می‌باشد. گرچه اقدامات مربوط به کسب توانایی‌های رقابتی عمدتاً متوجه بخش خصوصی است اما نقش دولت در آگاه‌سازی به کارگیری سیاست‌های مناسب و ایجاد زمینه‌ها و بستری ضروری داخلی و خارجی برای تضمین اثربخشی اقدامات بخش خصوصی و ترغیب آن‌ها به درک شرایط جدید از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. در واقع با توجه به شرایط اقتصاد ایران نقش دولت بسیار بارز و تعیین کننده است اما این نقش هرگز جایگزین نقش بخش خصوصی که بدلیل ماهیت آن گستره‌ای وسیع و مرتبط با بخش واقعی اقتصاد را متأثر می‌کند، نیست. اما رسالت دولت این است که با تمامی ابزارهای در اختیار تلاش لازم را برای فعال نمودن بخش خصوصی انجام دهد. در صورتی که بخش خصوصی شرایط جدید را دریابد به اتکای سیاست‌های اصولی دولت قادر خواهد بود در بنگاه‌های تحت نظر خود مجموعه‌ای از تغییرات و اقدامات مورد نیاز برای افزایش توان رقابتی را در دستور کار قرار داده و توانایی‌های موجود خود را برای تعامل با اقتصاد جهانی در شرایط الحاق صیقل دهد. این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه سازوکار اصولی و مناسبی برای تحقق سلسله امور فوق ایجاد شود.

در نموداری که در ادامه آمده است، سازوکار لازم برای حرکت به سمت تحقق الزامات الحاق ترسیم شده است. در این نمودار وزیر بازرگانی و نماینده تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران در کانون قرار گرفته و مسئول محوری فرآیند

الحاق در کشور می‌باشد. در حلقه بعدی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط با مقوله الحاق قرار دارند که همه آن‌ها عضو شورای راهبردی وزراء در امور سازمان جهانی تجارت و کمیته‌های فعال زیر نظر آن بوده و مسئولیت هماهنگی و تصمیم‌گیری و نظارت بر مقوله الحاق و امور مربوط به آنرا به عهده دارند. و نماینده تام‌الاختیار تجاری دولت وظیفه دارد این حلقه را فعال نماید و دستگاه‌های دولتی را نسبت به فعال کردن حلقه‌های بعدی وادار کند تا بدین ترتیب امکان فعال نمودن بخش واقعی اقتصاد به وجود آید. در صورتی که حساسیت‌ها به بخش واقعی اقتصاد منتقل شود و در سطح کارگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تحولات آغاز شده و پیگیری و تقویت شوند، انتظار می‌رود کشورمان در الحاق به سازمان جهانی تجارت بتواند به اتکای توانایی‌های حاصله در بنگاه‌ها و بخش واقعی اقتصاد موفق ظاهر شود.



نمودار ۱- لایه‌های نهادی مسئول در فرایند الحاق مسئولیت‌ها و اقدامات این لایه‌ها در سه حوزه اصلی شناخت، توانمندسازی و اجرا قابل تفکیک است. با توجه به اهمیت موضوع و پیچیدگی مباحث سازمان جهانی تجارت و عدم وجود زمینه‌های شناخت کافی در اکثر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها، لزوم شناخت موافقت‌نامه‌ها و کارکردهای سازمان جهانی تجارت به‌شدت احساس می‌شود. در این رابطه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها باید اقدام به آموزش پرسنل تخصصی وزارتخانه و واحدهای تابعه نمایند و در جهت تعمیق شناخت و تبیین اثرات آن در حوزه فعالیت‌های داخلی اقدام به تشکیل و تقویت هسته‌های کارشناسی و انجام پژوهش‌های ذی‌ربط نمایند. بدون انجام این اقدامات وزارتخانه‌ها قادر نخواهند بود اثرگذاری و کارآمدی لازم را در جریان الحاق و پس از آن

داشته باشند.

فعالیت‌های اجرایی ذی‌ربط خواه‌ناخواه بعد بین‌المللی نیز پیدا می‌کند، بنابراین لازم است وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها ضمن ایجاد ساز و کارهای مناسب برای انجام امور مربوط به الحاق نسبت به گم‌کردن بهترین نیروهای خود که از توانایی‌های ویژه‌ای همچون تسلط به زبان انگلیسی، شناخت سازمان جهانی تجارت و مدیریت قوی برخوردار باشند، اقدام نمایند. بسیاری از اقدامات حوزه اجرایی صرفاً با اتکای به نیروهای کارشناسی آشنا با سازوکارهای سازمان جهانی تجارت انجام‌پذیر خواهد بود. بنابراین جدی نگرفتن اقدامات حوزه شناخت عملاً منتهی به ناکارآمدی اقدامات حوزه اجرایی خواهد شد. بر این اساس لازم است وزارت‌خانه‌ها نسبت به اقدامات حوزه شناخت توجه ویژه‌ای مبذول نمایند.

۱-۴. مسئولیت‌های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به‌عنوان متولی بخش خصوصی

از میان سازمان‌های مرتبط با مباحث تجاری، اتاق بازرگانی صنایع و معادن به‌عنوان یکی از نهادهای مهمی که ارتباط تنگاتنگی نیز با بخش خصوصی دارد از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بویژه در فرایند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت برخوردار است. در زیر به اجمال به برخی اقدامات عملی که این نهاد می‌تواند در زمینه فعال‌سازی بخش خصوصی انجام دهد اشاره می‌گردد:

۱- اتاق بازرگانی با ایجاد نهاد مشخصی درخصوص الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، نقش رابط با نماینده تام‌الاختیار تجاری دولت را ایفا نموده و کلیه اقدامات لازم در این خصوص از این طریق پیگیری گردد.

۲- تا زمانی که فعالین اقتصادی در زیربخش‌های مهم تولیدی و خدماتی کشور درک درستی از الحاق به سازمان پیدا نکنند انتظار نمی‌رود پیشرفت ملموسی صورت گیرد. بدیهی است بدون شناخت و درک درست از پدیده، فعالین اقتصادی نه به‌دنبال کسب آمادگی‌های لازم خواهند بود و نه به‌دنبال تقویت خودشان. بنابراین اولین سطح از اقدام باید آموزش و اطلاع‌رسانی باشد. لازم است علاوه بر تدوین برنامه برای ارایه آموزش‌های لازم، اطلاع‌رسانی برای فعالین بخش خصوصی در ارتباط با مباحث سازمان جهانی تجارت توسط

به همین ترتیب توانمندسازی و افزایش توان رقابتی حوزه فعالیت‌های ملی وزارت‌خانه‌ها و بخش خصوصی متناظر در آن فعالیت‌ها ضرورت تام دارد. مادامی که توان رقابتی در فعالیت‌های داخلی افزایش پیدا نکند و روحیه تعامل با اقتصاد جهانی در جهت نگاه به بازارهای خارجی در بین فعالین اقتصادی کشور تقویت نشود منافع الحاق به سازمان جهانی تجارت فرصت ظهور و بروز پیدا نخواهد کرد و کشور نخواهد توانست از شرایط موجود بهره‌برداری لازم را بکند. بنابراین در همین راستا اقدامات مورد اشاره در حوزه توانمندسازی ضرورت ویژه پیدا می‌کند. قطعاً این اقدامات در پرتو فهمی که در حوزه شناخت برای کارشناسان و مدیران وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها ایجاد می‌شود قابل درک بوده و می‌تواند به اتکای شناخت قبلاً حاصل شده، معنی و مفهوم واقعی خود را پیدا کرده و با جدیت لازم پی‌گیری شوند و در فرصت باقی مانده تا الحاق کامل به سازمان جهانی تجارت شرایط و زمینه‌های توانمندی و رقابتی‌تر شدن فعالیت‌ها را بیش از پیش فراهم آورند.

حوزه سوم فعالیت‌ها مربوط به امور اجرایی الحاق می‌شود. تجربه سایر کشورهایی که در فاصله بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ به عضویت سازمان جهانی تجارت در آمده‌اند نشان می‌دهد که متوسط طول زمان الحاق هفت سال بوده است که در طی آن اقدامات گسترده و مذاکرات دامنه‌داری چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی صورت گرفته است.

از بعد مذاکرات خارجی انتظار می‌رود پس از پذیرش درخواست ایران گروه کاری الحاق متشکل از ۵۰ تا ۶۰ کشور از اعضای سازمان جهانی تجارت آغاز به کار نماید و مذاکرات طولانی چندجانبه و سپس دوجانبه مربوط به الحاق شروع شود. در این بین گزارش‌های بسیاری باید از طرف ایران تهیه و ارائه شود و در برابر درخواست‌های کشورهای عضو گروه کاری مواضع روشن و اصولی و مبتنی بر منافع ملی و متناسب با مقتضیات الحاق اتخاذ شود. به همین ترتیب در عرصه داخلی باید تمامی وزارت‌خانه‌های مرتبط، اقدامات و مسئولیت‌های متناسب با حوزه‌های فعالیت خود را به نحو احسن و در هماهنگی کامل با شورای وزراء در امور سازمان جهانی تجارت انجام دهند. با توجه به حساسیت موضوع و نظر به اینکه

اتاق بازرگانی صورت گیرد.

۳- با طراحی یک الگوی پژوهشی، از تشکلهای مربوط به زیر بخش‌های صنعتی درخواست شود مطابق الگوی طراحی شده مطالعات پژوهشی مرتبط با زیر بخش خود را انجام دهند. در الگوی پیشنهادی بررسی تعرفه‌ها، مقایسه تعرفه‌های ایران در زیربخش مربوطه با تعرفه‌های کشورهای عضو، نرخ‌های پیشنهادی ایران برای تعرفه‌ها و نرخ‌های تعرفه حساس در هر زیر بخش، و وضعیت یارانه‌ها و ... پیش‌بینی شود.

۴- تعیین زیربخش‌های صنعتی و تشکلهای ذیربط و مشخص نمودن مسئول زیربخش (نقطه تماس) در هر یک از تشکلهای در امور مربوط به سازمان جهت انجام هماهنگی‌های ضروری و انجام مشورت در جریان مذاکرات الحاق الزامی است.

۵- اتاق بازرگانی لازم است سازوکاری برای انعکاس مشکلات ایجاد شده برای کالاها و خدمات صادراتی ایران به بازارهای کشورهای عضو در نظر بگیرد تا چنین اطلاعاتی به سهولت و به سرعت به اطلاع دولت رسیده و قادر گردد در مذاکرات با طرف‌های تجاری در سازمان آن‌ها را انعکاس دهد و پس از عضویت و حتی پیش از آن در جهت تأمین منافع ملی و فشار بر کشورهای طرف تجاری مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۶- اتاق بازرگانی نیازمند تربیت کارشناسان حرفه‌ای در خصوص سازمان جهانی تجارت خواهد بود و برای این منظور لازم است تمهیدات ضروری اتخاذ نماید.

جمع‌بندی و ملاحظات

در مطلع اصلی سند چشم‌انداز بیست ساله، پنج ویژگی مهم برای ایران ۱۴۰۴ ترسیم شده است: توسعه یافته، جایگاه اول منطقه‌ای، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و بالاخره دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان پیرامون. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مختصات گزاره فوق یعنی توسعه یافتگی و کسب جایگاه اول اقتصادی در منطقه، بدون تعامل سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن و وابستگی‌های متقابل غیرممکن باشد. سازمان جهانی تجارت به‌عنوان اثرگذارترین سازمان بین‌المللی در عرصه تجارت و اقتصاد- در کنار عضویت در موافقت‌نامه‌های دوجانبه و

منطقه‌ای تجارت آزاد و ترجیحی- بدون شک نماد و سمبل تعامل با جهان پیرامونی است و حضور در این مجامع می‌تواند تعامل سازنده‌ای با دنیای خارج ایجاد کند. با این وجود عضویت در سازمان جهانی تجارت فی‌نفسه هدف نیست و به خودی خود موجب تغییری در جایگاه کشورها در نظام جهانی نمی‌شود بلکه از زمانی که کشورها به اصلاح سیاست‌های اقتصادی و تجاری و منطقی کردن نظام تعرفه‌ای خود اقدام نمایند و با بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی، اقتصاد داخلی خود را در معرض رقابت خارجی قرار دهند، قادر خواهند بود با عضویت در این سازمان و یا توافقات منطقه‌ای، از فرصت‌های ایجاد شده بهترین و بیشترین بهره را در جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود ببرند. از این رو نکته اساسی که در مورد کشورهای در حال توسعه موفق در الحاق به سازمان جهانی تجارت باید مورد توجه قرار گیرد، چگونگی انجام اصلاحات اقتصادی و اجرای استراتژی توسعه صادرات آن‌هاست. بنابراین هدف اصلی هر کشور دستیابی به توسعه همه جانبه و افزایش رفاه مادی و معنوی آحاد مردم است و تنها زمانی تعامل با اقتصاد بین‌الملل مؤثر و کارآمد خواهد بود که کشورها، برنامه‌ها و سیاست‌های داخلی خود را متناسب با این حضور بین‌المللی تنظیم کرده باشند.

خوشبختانه اهداف، سیاست‌ها و اقدامات مندرج در سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که در صورت اجرای صحیح آن، زمینه رقابت‌پذیری اقتصاد و کسب آمادگی‌های لازم در اقتصاد داخلی را برای عضویت در سازمان جهانی تجارت و تعامل سازنده و مؤثر با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های ایجاد شده در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم آورد. در این میان هماهنگی میان دولت به‌عنوان طرف مذاکرات تجاری با سازمان جهانی تجارت و بخش خصوصی به‌عنوان تنها نهاد تأثیرپذیر از الزامات این سازمان حائز اهمیت است. بهره‌گیری از منافع عضویت بدون ایجاد فضای رقابت‌پذیری در میان بنگاه‌ها غیرممکن است و می‌تواند خسارت‌های فراوانی برای اقتصاد ملی ایجاد نماید. تنها راه نیل به این مقصود همکاری، هماهنگی، شناخت، تفکیک و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها و در نهایت مسئولیت‌پذیری این دو نهاد در فرایند الحاق است.

پی‌نوشت‌ها

1. Most Favoured Nation (MFN).
2. National Treatment (NT)

منابع

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ابلاغیه مقام معظم رهبری، آذر ۱۳۸۲.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم دی ۱۳۸۲.

گروه نویسندگان، سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

راهنمای تجاری دور اروگوئه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های

بازرگانی، آبان ۱۳۷۵.

سند نهایی دور اروگوئه گات، موسسه مطالعات و پژوهش‌های

بازرگانی، دی‌ماه ۱۳۷۳.

پایگاه رسمی اطلاع رسانی سازمان جهانی تجارت

WWW.WTO.ORG

Hockman Bernard and Kostecki Michel, "The Political Economy of the World Trading System", *New York: Oxford University Press*, 1995.

Okimoto, D.I. "Between MITI and the Market: Japanese Industrial Policy for High Technology", *Stanford, CA: Stanford University Press*, 1989.

Wei Liang "Explaining the Process: US/China Negotiations on China's Accession to GATT/WTO." School of International Relations, University of Southern California, 2001.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی